

ساماندهی بافت فرسوده شهری با تاکید بر الگوی مشارکت مردمی

علی حیدری

دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی عمران، گرایش راه و ترابری، موسسه آموزش عالی صائب، ابهر، ایران.

نام نویسنده مسئول:

علی حیدری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۰۵

چکیده

سودمندی رویکرد مشارکت جویانه و استفاده از مزایای آن در پروژه های نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهری امری انکارناپذیر است. بطوری که امروزه مسجل شده است حضور و مشارکت مردم در مداخلات صورت گرفته در بافت های فرسوده، نقش اصلی را در تحقق پذیری طرح ها ایفا می نماید. اجرای هر طرح و برنامه ای در شهرها مراحل متعددی دارد، که این مراحل شامل مطالعات توصیفی، شناخت دقیق منطقه، الویت ها و نیازهای ساکنان، ظرفیت های منطقه یا محل، نحوه و میزان مشارکت مردم و ... می باشد. حال اگر این طرح ها برای هسته مرکزی شهرها باشد حساسیت آن افزایش یافته و نحوه عمل در مورد بافت های آسیب دیده و فرسوده متفاوت خواهد بود. مطالعات و تجارب صورت گرفته در زمینه بهسازی بافت های شهری با محوریت تجدید حیات بافت های آسیب دیده در مقیاس محله و با تاکید بر مشارکت مردم است. در این راستا، تبیین جایگاه مشارکت در طرح های احیای بافت های آسیب دیده و دست یابی به فرآیندی کاربردی در جهت بهره گیری از مشارکت مردم در فرآیند باز آفرینی، نیازمند شناخت، تحلیل و ارزیابی طرح هاست. سیر تحول رویکردهای بهسازی شهری در ایران به ویژه پس از انقلاب اسلامی، نشان دهنده طرح های متعددی است که توسط وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری ها و وزارت کشور تهیه شده است. عدم هماهنگی بین طرح های فوق، مغایرت های بیشمار با طرح های بالادست و عدم جلب مشارکت مردم در تهیه و اجرای طرح پیشنهادی، موجب ناکارایی آنها و در برخی موارد افزایش نابسامانی های بیشتر در ساختار فضایی، اجتماعی و کارکردی بافت شده است. تعیین نیازها، خواست ها و الویت بندی برنامه های شهری در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و فضایی و ... جز با مشارکت مردم میسر نیست. مدیریت شهری برای اثرگذاری مشارکت شهروندی باید الزامات آن را فراهم سازد. بنابراین بهسازی و احیای کالبد محله و تامین امکانات درخواستی از سوی ساکنان محله ضروری است و باید همه این اقدامات باهم و به صورت مکمل و با در نظر گرفتن موقعیت و مشکلات موجود انجام پذیرد و تک تک این اقدامات به تنهایی قادر به رفع مشکلات موجود نیست که این مسئله بستری لازم را برای نگارش پژوهش حاضر فراهم کرده است. از اینرو این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و با هدف بررسی عوامل تاثیر گذار بر میزان مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده و ارائه راه حل های منطقی، اجرایی و قانونی جهت کاهش سرعت فرسودگی و تسریع روند احیای این بافت از طریق مشارکت مردمی می باشند شکل گرفته است که غالب مطالعات آن از نوع اسنادی (کتبخانه ای) استوار بوده است. نتایج کلی حاصل از پژوهش حاضر حاکی از آن است که نقش مشارکت به عنوان مهم ترین و بهترین شیوه در زمینه مداخلات شهری بالاخص ساماندهی بافت فرسوده تاکید دارد و به عنوان یک ضرورت مهم برای نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده شهری تلقی می شود.

واژگان کلیدی: بافت فرسوده، رویکرد مشارکتی، بهسازی، نوسازی، مشارکت مردمی

مقدمه

حیات شهری در دوران معاصر چنان گسترده‌گی یافته است که برخی مؤلفان آینده حیات بشری را در شهرها دانسته اند. رشد فزاینده شهرها، در کنار مواهب زیادی که داشته، مشکلات اجتماعی زیادی را با خود به همراه آورده است. کشور ایران در سه دهه گذشته، همراه با رشد جمعیت (۳۳/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به ۷۵/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰)، رشد شتابان شهرنشینی را هم تجربه کرده است. آنچنان که از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۹ جمعیت شهری از ۷۷٪ تا ۷۵/۷٪ افزایش یافته است. از مهمترین پیامدهای چنین روند شهرنشینی در کنار عدم تأمین زیرساخت های مناسب شهری برای ساکنین و مهاجرین شهرها، بوجود آمدن بافت های نامنظم و فرسوده پیرامون شهری و درون شهری است که معضلات متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به دنبال خواهد داشت [1]. بافت های فرسوده شامل محدوده هایی است که به واسطه کیفیت خاص فضایی، شرایط اجتماعی، ایمنی در برابر سوانح و بهره مندی اندک از خدمات عمومی، موضوع فعالیت ویژه ی شهرداری ها قرار گرفته و سازمان نوسازی به عنوان متولی آن تعیین شده است. به گواهی تجربه های گذشته، ساخت و ساز در بافت های فرسوده با شرایط موجود فاقد توجیه اقتصادی است. با عنایت به سطوح وسیع بافت ها و قبول این که دولت و شهرداری به تنهایی توان تصدی و اجرای عملیات نوسازی بافت ها را ندارند، لازم است با اتخاذ تمهیداتی نسبت به جلب مشارکت مؤثر مردم در فرآیند نوسازی بافت های فرسوده اقدام گردد. بافت های قدیمی شهرها به عنوان ارزشمندترین بافت های شهری هستند که ارزش های غنی فرهنگی زیادی برای شهرها دارند. اکثر بافت های قدیمی در طول زمان با فرسودگی مواجه شده و شادابی و سلامت خود را از دست می دهند. توسعه شهرنشینی و مهاجرت های روستا به شهری باعث افزوده شدن مشکلات بافت های فرسوده شهری می گردد؛ بطوری که بدلیل پایین بودن قیمت زمین، وجود پایگاه های قومی- نژادی و زبانی در محلات بافت های فرسوده شهری و همچنین امکان ساخت و سازهای غیرمجاز و تصرف غیرقانونی زمین بدلیل نظارت کمتر مهاجران تازه وارد این مناطق را به منظور سکونت انتخاب می کنند [2]. وجود افراد با قومیت ها و مذهب مختلف در برخی موارد باعث بروز مشکلات اجتماعی می شود که این موضوع باعث کند شدن روند بهسازی بافت های فرسوده می شود. یکی از مهمترین مسائلی که در چند دهه اخیر مورد توجه مسئولان و اندیشمندان مسائل شهری و بخصوص در مورد بافت های فرسوده شهری قرار گرفته است موضوع استفاده از ظرفیت های برنامه ریزی مشارکتی و دخالت دادن شهروندان به منظور تسهیل در روند ساماندهی بافت های فرسوده شهری است. برای جلوگیری از فرسودگی و احیای بافت های قدیمی طرح های مختلفی اجرا شده اند که بیشتر آنها موفقیت آمیز نبوده اند، که علت اصلی آن عدم مشارکت ساکنین این بافت ها در طرح های شهری بوده است. بنابراین مهمترین مسأله در برنامه ریزی این قسمت از شهرها توجه به عامل انسانی (ساکنان، مالکان، بهره برداران و مستأجران)، میزان مشارکت و عوامل تأثیرگذار در مشارکت آنها می باشد. حضور شهروندان در عرصه تصمیم گیری و نزدیکی و هماهنگی آنان با مسئولان و متخصصان، در دستیابی هر چه سریعتر به خواسته ها و نیازهایشان مطابق با شرایط زندگی و ویژگی های اجتماعی و اقتصادی، از طریق فرآیند برنامه ریزی شهری مشارکتی و مردمی میسر می شود. اما به رغم اهمیت و ضرورت مشارکت مردمی و تأکید بر نقش قابل توجه آن در کلیه کشورها و مجامع بین المللی، به دلیل پیچیدگی، آماده نبودن ساخت نهادی جامعه، نهادینه نشدن همکاری و خودیاری نظام های سنتی و نظایر آن، مشارکت با موانع و مشکلات چندی مواجه است که عملاً مانع تحقق آن یا موفقیت پروژه هایی می شود که از طریق مشارکت به اجرا در می آیند. به طور کلی در بافت های فرسوده با توجه به وسعت دامنه و شدت مسائل گریبانگیر این بافت ها کارآمدترین رویکردی که بتوان برای مواجهه با کاستی ها و نارسایی ها اتخاذ نمود رویکرد مشارکتی می باشد. به این ترتیب می توان با استفاده از الگوهای توانمندسازی و مشارکت جمعی از نیروهای همه بهره وران در جهت بهسازی و نوسازی و تجدید ساختار بافت های مذکور در راستای میل به اهداف توسعه پایدار بهره جست [3].

ضرورت و اهمیت پژوهش

رشد سریع و بی رویه در کنار گذر زمان بیش از گذشته، شهرها را با خطرات فرسودگی مواجه ساخته است. همچنین خطرات زیست محیطی با خطرات احتمالی ناشی از فعالیت های انسانی و تأسیسات زیربنایی تشدید یافته و محیط زیست را کاملاً تهدید می نماید. به طوری که امروزه رشد بی رویه جمعیت در شهرها، بالاخص مهاجرت های بی رویه روستا- شهری توأم با فرهنگ

روستایی و غیره باعث شده تا نواحی مسکونی که زمانی بسیار دلپذیر بودند به محلاتی فرسوده تبدیل شوند. به طوری که فقدان یا کمبود فضاها و سرانه های خدماتی و رفاهی در حد استانداردهای شهری، دسترسی ضعیف به داخل بافت، آلودگی صوتی و فرسودگی بافت از مسائل و مشکلات این بافتها محسوب می شود. همچنین به دلیل محدودیت در شبکه حمل و نقل زمینی، تسهیلات حمل و نقل ناکافی و مناسب در این محدوده کمبود فضای باز، فضای سبز و زمین بازی کودکان و دیگر نارسایی های از این نوع، موجب بروز مشکلاتی در سطح شهرها گردیده است. به نظر می رسد اغلب این نارسایی ها ناشی از غفلت کارگزاران شهری و تعلل آنها در اقدام لازم برای حل مشکلات بافت فرسوده شهری بوده است. برای رها شدن از وضعیت فوق لازم است برای برنامه ریزی مجدد بخش های فرسوده شهرها که در اثر گذشت زمان بد چهره شده اند و تقریباً از قابلیت استفاده خارج گردیده اند، تصمیمی فوری اتخاذ شود [1]. در این راستا توجه به نقش مشارکت مردمی می تواند امر برنامه ریزی را در بافت های مذکور اصولی تر، واقع گرا و قابل اجرا سازد. بافت های فرسوده، زمانی احیا می شوند که زمینه های رشد مداوم آنها فراهم شود و قدرت خود ترمیمی به آنها بازگردد. این مهم، از طریق توجه به تمامی ابعاد فرسودگی و آسیب شناسی بافت در تمام این زمینه هاست. بنابراین از آنجا که بکارگیری سرمایه مالی و انسانی برای نوسازی شهری ضروری است، کلیدی ترین نکته ای که لزوم مشارکتی بودن واقعی فرایند را تبیین می کند در آن است که این قدرت خود ترمیمی تنها در صورتی به بافت باز می گردد که ساکنین بافت بخشی از فرآیند احیا و در نتیجه بخشی از فرآیند مقابله در برابر فرسوده شدن آتی باشند.

پیشینه ی پژوهش

معضل بافت های فرسوده چنان حائز اهمیت است که در این راستا چه در ایران و چه در جهان تحقیقات متعددی صورت گرفته است. امروزه در سطح جهان به ویژه در کشورهای توسعه یافته، ارزش ها و مفاهیم فرهنگی در فضاهای ساخته شده شهری، یکی از دلایل اصلی توجه به بافت های فرسوده شهرهاست. کشورهای مختلف با فرهنگ ها و اعتقادات متفاوت تجارب بسیار ارزنده ای را در طول تاریخ برجای گذاشته اند که نشان دهنده ی هویت هر یک از شهرهای تاریخی در جهان می باشند. این تجارب با کارهای هوسمان در پاریس و نوشته های راسکین و موریس در انگلستان و اقدامات سیت در اتریش آغاز شد. از آنجا که کشور ما یک کشور زلزله خیز می باشد، باید موضوع بافت های فرسوده را جدی گرفت و برگزاری همایش ها و کنفرانس های متعدد در کشور و دغدغه های مدیران شهری در این حوزه نشان دهنده ی توجه جدی به این مسأله است. در مورد بافت های فرسوده شهری و برنامه ریزی مشارکتی مطالعاتی انجام شده است که در زیر به مواردی از آن اشاره می شود.

الف) خارج کشور

(اوزلم گزی، ۲۰۰۹)^۱، در مطالعه ای تحت عنوان باززنده سازی و افزایش هویت شهری به بررسی راهکارهای بهسازی و باززنده سازی نواحی مسکونی غیرمعمور و فرسوده در شهر آنکارا می پردازد و باززنده سازی و نوسازی این مناطق را استراتژی فضایی جهت هویت بخشیدن به ساکنان این مناطق و افزایش تجهیزات مورد نیاز شهروندان می داند. (مولر و همکاران، ۲۰۰۳)^۲، در تحقیقی تحت عنوان ارتقای کیفیت زندگی در مناطق وسیع فرسوده به تفکر استراتژیک توجه دارد؛ تفکری که به رویکرد یکپارچه ی فضایی اهمیت فزاینده ای می دهد و به این نتیجه می رسد که به سازی ساختار کالبدی برای حل مشکلات عمیق اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کافی نیست و مشکلات بافت باید در سطحی بالاتر از بهسازی کالبدی مطرح شوند. (ربیع، ۲۰۰۳)^۳، در پژوهشی با عنوان توانمند سازی محله ای، رویکرد جایگزین برای تلفیق سنت و مدرنیسم در بافت های فرسوده شهری، احکام و ضوابط طرح های جامع و تفصیلی را به عنوان حکم اعدام بافت های سنتی محله های قدیمی برشمرده است. (پیتر رابرتز و شیکهاگ، ۲۰۰۰)^۴، در کتاب بازآفرینی شهری پس از شناسایی بافت های فرسوده، دلایل فرسودگی و در نهایت طبقه بندی آنها به مفهوم احیاء، بهسازی و مشارکت ساکنان در احیای محله پرداخته است. نتایج تحقیق این طور نشان داد که مشارکت ساکنان در احیاء و بهسازی محله مؤثر بوده است. (جیم آنتونیو، ۱۹۹۸)^۵، در پژوهشی با عنوان بافت فرسوده و تاریخی قاهره با بررسی

1. Ozlem Geuzey

2 Muller et al

3 Peter Roberts&shykhag

4 Jim antonio

پیشینه قاهره در دوره های گوناگون همچون شکل گیری شهر نظامی قسطنطنیه و بنیان گذاری قاهره، تحولات آن را مورد بررسی قرار داده است و ضمن بررسی و تحلیل وضعیت نابسامان مدیریت شهری قاهره به طرح احیاء بافت تاریخی قاهره و ارائه چارچوب آن پرداخته است. (میدلتون، ۱۹۸۷)^۵. در پژوهشی با عنوان نوسازی شهری آمریکا، تجربه بالتیمور، انگیزه اقتصادی نوسازی شهری، توجه به بخش خصوصی جهت نوسازی، مشارکت مردمی در طراحی و اجرای پروژه ها، توسعه و رونق گردشگری و جذب جهانگرد از سراسر دنیا، حفظ مجموعه های تاریخی بافت های قدیمی، اهمیت درک پیوستگی و تداوم زمانی برنامه ها در امر نوسازی و بهسازی بافت های شهری را ذکر کرده است.

(ب) داخل کشور

(موحد و همکاران، ۱۳۹۲)، در مقاله ای تحت عنوان نقش سازمان های مردم نهاد برای مشارکت در بازسازی بافت های فرسوده نمونه موردی: بافت فرسوده ی بخش مرکزی شهر اهواز با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و توزیع پرسشنامه به این نتیجه رسیده اند که تقویت ارزش های فرهنگی و قومی منجر به تقویت مشارکت و فعال کردن سازمان های مردم نهاد در نوسازی و بهسازی بخش مرکزی اهواز خواهد شد. عدم شکل گیری نهادهای مردمی همراه با تحولات اجتماعی و قومی مردم در سال های اخیر باعث شده است که جریان مشارکت در بهسازی و نوسازی محله روبه کاهش بگذارد. (خواجه شاهکوهی و همکاران، ۱۳۹۲)، در مقاله ای با عنوان بررسی نقش سرمایه ی اجتماعی در نوسازی بافت های فرسوده شهری نمونه موردی: شهر جویبار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای راهبرد پیمایشی به این نتیجه رسیدند که مداخلات کالبدی در محیط های زندگی عاملی در جهت ارتقای سرمایه ی اجتماعی ساکنان است و همچنین انگیزه ی تداوم سکونت نیز موجب افزایش سرمایه ی اجتماعی در بافت خواهد گردید. (وارثی و همکاران، ۱۳۹۱)، در مقاله ای با موضوع ساماندهی بافت فرسوده شهری نمونه موردی: شهر شیراز با ترکیبی از روش های توصیفی، تحلیلی و همبستگی به این نتیجه رسیده اند که کمبود امکانات، خدمات شهری و تأسیسات زیربنایی سبب مهاجرت ساکنان بومی به مناطق دیگر شهر شده و باعث منفی شدن نرخ رشد جمعیت بافت، طی سال های اخیر شده است و از طرف دیگر به خاطر وضعیت اجتماعی-اقتصادی ساکنان بافت، سبب شده تا روند بهسازی و نوسازی درون بافت کند شود، که این عوامل سبب فرسوده شدن و تخریب بیشتر بافت شده است. (وظیفه دوست و همکاران، ۱۳۹۱)، در مقاله ای تحت عنوان مشارکت های مردمی و نقش آن در توسعه مدیریت شهری در شهرداری منطقه ۵ شهرداری تبریز، در ابتدا به اهمیت موضوع پرداخته و در ادامه ضمن توصیف مفهوم توسعه و ابعاد آن به آرایه تعاریفی در خصوص مشارکت و مزایای آن پرداخته و نقش مشارکت مردمی در توسعه مدیریت شهری تشریح شده است. نتایج این تحقیق حاکی از این است که مجموعه مدیریت شهری شهرداری منطقه ۵ تبریز در بهره گیری از مشارکت عمومی برای توسعه مدیریت شهری ضعیف می باشد. (خادم الحسینی و همکاران، ۱۳۹۱)، در مقاله تحت عنوان شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه ریزی شهری مطالعه موردی منطقه ۱ اصفهان به این نتیجه رسید که نیت اصلی برنامه ریزان شهرداری منطقه ۱ اصفهان در بیشتر طرح ها و برنامه ریزی شهری، عمدتاً تأمین منافع برنامه ریزان و کارفرمایان بوده است؛ دامنه مشارکت، تأمین اعتبار مالی طرحها و نگاه به مشارکت عموماً به عنوان ابزاری جهت مشروعیت بخشی به طرح هاست. در یک جمع بندی نهایی نیز به این نتیجه رسیده است که مجموعه مدیریت شهری شهرداری منطقه ۱ اصفهان در بهره گیری از مشارکت شهروندان در برنامه ریزی های شهری ضعیف عمل کرده است. (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰)، در مقاله ای تحت عنوان بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری با تأکید بر مشارکت مردمی، مطالعه موردی: محله دولا ب تهران با استفاده از تحلیل SWOT به ارزیابی نهایی وضعیت بافت فرسوده پرداخته و به این نتیجه رسید که محله دولا ب به دلیل وجود مؤلفه های هویت محله-ای، مشارکت جویی بالا، وجود سرمایه اجتماعی و همبستگی در بین ساکنین و وجود نهادهای محلی و مردمی و مخصوصاً مذهبی، پتانسیل خوبی برای تحقق بهسازی مشارکتی دارد. (سرور، ۱۳۹۰)، با بررسی ظرفیت های بافت فرسوده شهر بافق جهت توانمندسازی این بافت، قائل شدن نقش قانونی برای شورایی های محلات در امر بهسازی و نوسازی، حمایت و تشویق از تجمیع قطعات ریزدانه، مشخص کردن متولی بافت های مسئله دار، واگذاری بافت های فرسوده از طریق طرح های جامع و ارائه تسهیلات مالی به ساکنین در امر ساماندهی بافت های فرسوده را پیشنهاد داد. (ملکی تودار، ۱۳۸۹)، با انتخاب محله ستارخان در شهر خرم آباد به عنوان مطالعه موردی ویژگی های اقتصادی،

اجتماعی، کالبدی بافت فرسوده شهری مورد بررسی قرار داده و با استفاده از استراتژی راهبردی SWOT رهیافت های بهسازی در این بافت را ارائه داده است. ایشان در تحقیق خود ضمن مشخص کردن نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت های منطقه مورد مطالعه، مهمترین راهبردها جهت برون رفت از تنگناهای موجود را به حداکثر رساندن استفاده متناسب از طرح های شهری در جهت مداخله بهینه در بافت فرسوده، افزایش ظرفیت و توان شبکه های داخلی جهت کاهش ترافیک درونی بافت فرسوده و فراهم نمودن شرایط مناسب جهت کاهش آسیب های اجتماعی با استفاده از مشارکت خود اهالی می داند. (اکبرپور سراسکانرود، ۱۳۸۷)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان ارزیابی میزان الگوی مشارکت در نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده محله سیروس که با هدف ارزیابی میزان الگوی مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده محله سیروس و فراهم بودن زمینه های لازم جهت عملی شدن مشارکت در شرایط این محله بوده است، به این نتیجه میرسد که اتخاذ رویکردی که زمینه های اقتصادی فرآیندنوسازی و در نتیجه جلب مشارکت های مردمی را فراهم کند، از مواردی مهمی است که در نوسازی محله سیروس باید مدنظر قرار گیرد. (احمدی و ۱۳۸۷)، شهابی، در مقاله ای تحت عنوان مشارکت محلی، ضامن بهسازی پایدار بافت های فرسوده بررسی تجربه بهسازی محله سیروس تهران به این نتیجه رسید که حتی اگر نگرش و تلقی صحیحی از مشارکت مردم در امور شهرها و برنامه ریزی برای مسائل و مشکلات آن وجود داشته باشد، لیکن در اجرای این ایده با مشکل مواجه هستیم. (کلانتری، ۱۳۸۴)، در مقاله ای با عنوان مشارکت مردمی در هویت بخشی به سیما و کالبد شهر، با نگرشی بر دو عامل فرهنگ و اقتصاد، کنکاشی پیرامون بافت قدیم و سیمای شهر و چگونگی حضور و مشارکت مردم در بهسازی محلات قدیم شهر یزد پرداخته است. مهمترین نتیجه گیری این مقاله به این موضوع اشاره دارد که هر چند ناحیه تاریخی شهر یزد از نظر مدیریتی دارای مشکلاتی چون ضعف عواملان تصمیمگیری (تعداد دستگاه های مؤثر در امر مدیریت، عدم اقتدار شهرداری ناحیه تاریخی، عدم مشارکت بخش خصوصی و مردمی، کمبود نیروی انسانی متخصص و...)، فقدان اسناد و ابزار کارآمد تصمیم گیری و... است، ولی وجود نیروهای متخصص در سطح شهر یزد، فعال شدن شورای شهر یزد، بازسازی بخشی از محلات بافت قدیم، فعالیت دفاتر مختلف اداری و خصوصی در زمینه مدیریت و برنامه ریزی ناحیه تاریخی بخشی از امکانات و قابل نهایی است که می تواند در بهبود عملکرد سیستم مدیریت شهری محدوده مؤثر باشد.

مروری بر ادبیات تحقیق

قبل از پرداختن به مباحث نظری و ادبیات موضوع، لازم است ابتدا به تعریف و مفهوم برخی از کلمات و عبارات کلیدی تحقیق پرداخته شود، از جمله؛

بافت فرسوده^۶

تعاریف و توصیه های متعددی از بافت فرسوده از سوی صاحب نظران و متخصصان ارائه گردیده است که همه آن ها علی رغم وجود تفاوت در زاویه نگاه به موضوع، در اصول کلی آن ها اشتراک دارند. بافت فرسوده پدیده ای گذرا و ناپدید شدنی نیست و در سطوح کشورهای در حال توسعه به شدت در حال گسترش است. از این منظر، در مهمترین اسناد جهانی و از جمله در اهداف توسعه هزاره به ضرورت بهبود سریع این وضعیت اشاره شده است. بافت فرسوده شهری به عرصه هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تاسیسات، خدمات و زیرساخت های شهری، آسیب پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند (محمودی و اسلامی، ۱۳۹۰). بنابراین به منظور شناسایی بافت فرسوده می توان از معیار های مصوبه ۳۰۰/۳۱۰/۱۵۳۰۱ شورای عالی معماری و شهرسازی استفاده کرد. در شناسایی بافت های فرسوده، به تناسب نارسایی های این بافت ها، همواره معیارهای متعدد کالبدی و غیر کالبدی دخالت دارند. اما بر مبنای تعریف مصوبه شورای عالی شهرسازی، بافت فرسوده با سه مشخصه کالبدی به عنوان معیار های قابل اندازه گیری شناسایی می شوند که این معیار ها عبارتند از؛ الف) بلوک هایی با بیش از ۵۰٪ قطعات کمتر از ۲۰۰ متر مربع ب) بلوک

هایی که بیش از ۵۰٪ بناهای آن فرسوده (فاقد سیستم سازه ایی) و به عبارتی نا پایدار و غیر استاندارد باشند. ج) بلوک هایی که بیش از ۵۰٪ بر آن ها کمتر از ۶ متر باشد [4].

جدول (۱): گونه های بافت فرسوده شهری

عنوان	تعریف	ویژگی
بافت های فرسوده دارای میراث شهری	بافت های فرسوده تاریخی به اندازه تاریخ و میراث شهر را در خود نهفته دارند؛ که می توانند در آگاهی جوامع از ارزش های فرهنگی و گذشته خود کمک کنند	وجود بناها، فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری با ارزش و یا ترکیبی از آنها
بافت های فرسوده فاقد میراث شهری	بافت های فرسوده فاقد میراث شهری در محدوده قانونی شهرها قرار دارند و دارای مالکیت رسمی و قانونی اند؛ اما از نظر برخورداری از ایمنی، استحکام و خدمات شهری دچار کمبود هستند.	قرارگیری در کالبد های به جامانده در دل بافت های قدیمی، حاصل استقرار افراد فرودست جامعه در زمین های خالی درون و برون شهری، خارج بودن از چرخه موثر حیات شهری
بافت های فرسوده حاشیه ای (سکونتگاه های غیررسمی)	بافت های حاشیه ای (سکونتگاه های غیررسمی)، بافت هایی هستند که بیشتر در حاشیه شهرها و کلان شهرهای کشور قرار دارند و خارج از برنامه رسمی توسعه شکل گرفته اند باشند.	عمدتاً بافت هایی خودرو فاقد ایمنی، استحکام، امنیت اجتماعی، خدمات و زیرساخت های شهری

نگرش های مختلف نسبت به بافت های کهن، نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده

در مورد بافت های کهن، نوسازی و بهسازی شهری نگرش های مختلفی ارائه شده که در جدول ذیل به آن ها اشاره شده است.

نظریه محافظه کارانه	پیروان این نظریه بر این باورند که تا حد امکان از هرگونه دخالت در وضع موجود باید پرهیز کرد. جان راسکین در این باره می گوید: شناخت یک بنای باستانی به منزله ی یک سند تاریخی است و برای حذف بخش های ناهماهنگ یا اضافه کردن بخش های تازه و استحکام بخشیدن به قسمت های ناپایدار و خطرناک، نباید اقدامی انجام شود
نظریه ی رادیکال	پیروان این نگرش برای مداخله در بافت های قدیمی شهرها، دگرگون کردن بافت های کهن را با حفظ آثار فرهنگی ارزشمند تجویز می کنند و تخریب و نوسازی، به عنوان تنها راه حل پیشنهادی مطرح می شود.
نظریه عقلایی	مبانی نظری این گروه، مرمت، باز زنده سازی و نوسازی مشروط در بافت های قدیمی است. لئوناردو بنه ولو، استاد دانشگاه ونیز با اتکا به چنین نظریه ای، ضمن ایجاد مراحل مختلف شکل گیری شهرها در طول تاریخ (از انقلاب کشاورزی تا انقلاب صنعتی) را شرح می دهد و نحوه ی نابودی آن ها را بیان می کند، در نهایت چنین نتیجه گیری می کند که چنانچه بخواهیم شهر کهن را حفظ و حراست کنیم، باید نظم نوینی از اداره ی شهرها به دست آوریم
نظریه اصالت بخشی	به کلیه فعالیت هایی گفته می شود که به منظور اصلاح و بهبود مسکن و محیط مسکونی و تغییر در ترکیب واحدهای مسکونی محله ها و جایگزینی گروه های با درآمد زیاد و متوسط با گروه های فقیر و کم درآمد در بخش مرکزی شهرها صورت می پذیرد.

به منظور بهسازی و نوسازی شهری کنترل حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی ضروری است. از طرف دیگر برای کنترل حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهری و مشارکت آن‌ها در بهسازی و نوسازی فضاهای زیستی آن‌ها ضروری است	نظریه توانمندسازی حاشیه‌نشینان
---	--

مشارکت^۷

تاریخ حیات انسان تاریخ همکاری و مشارکت است. زمانی که نخستین بار انسان دریافت که می‌تواند با تجمیع توان خود بر مشکلات فائق آید مشارکت زاده شد. از انباشت تجربه تاریخی بشر، مشارکت در مفهوم امروزی خود متبلور شد. امروزه مشارکت در بستر جامعه‌ای دموکراتیک و مدنی صورتی نهادمند به خود می‌گیرد. در جامعه مدنی شکل‌های مستقل از دولت در شرایط برابر و برخوردار از اطلاعات و امکانات مساوی زمینه مشارکت افراد در امور مربوط به خودشان را فراهم می‌سازد. فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را به عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است. مؤسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی مشارکت را «کوشش‌های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه‌ها و جنبش‌هایی که تاکنون از حیطه‌ی اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده‌اند» تعریف می‌کند [5]. بر مبنای این تعریف توانمندسازی و نظارت بر امور مربوط به خود، از اهمیتی فزاینده برخوردار است. گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن به طور ارادی به فعالیت اجتماعی منجر می‌شود. مشخص بودن آمال و اهداف مشارکت کننده از رهگذر آگاهی وی نسبت به عواقب کنش خویش منجر به مشارکت فعالانه، داوطلبانه و ارادی مشارکت کننده می‌شود. در اینجا «مشارکت کنشی است که از رهگذر آن شهروندان یک جامعه، شرایط تحقق انتظارات خود را مهیا می‌سازند» برای مبنا مشارکت «تعهدی فعالانه، آزادانه و مسئولانه» است که به عنوان یکی از سازوکارهای اعمال قدرت از درون جامعه برمی‌خیزد. «مشارکت عمومی را می‌توان به مثابه یک نظام خود وکیلی و به عنوان جزء متشکله یک نظام جدید نمایندگی محسوب کرد». از منظر نظام مدنی و کارکردی مشارکت را «سازوکاری برای بقا، توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادی کردن آن به انقراض نظام اجتماعی و سقوط سیاسی آن می‌انجامد». مشارکت را به عنوان نوعی کنش ارتباطی نیز در نظر می‌گیرند که مبتنی بر فهم متقابل است. همچنین کنشی هدفمند است که در فرایند تعاملی بین کنش گر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعریف شده، نمود پیدا می‌کند. در مفهوم گسترده‌اش به معنی «افزایش درک و توان مردم جهت پاسخ‌گویی به طرح‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است». این مفهوم کلیدی، امروزه در کلیه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، مدیریت و... مطرح می‌شود و توسعه سریع و روزافزون آن، مدیون این حقیقت است که دولتمردان درک کرده‌اند، گستردگی و پیچیدگی ابعاد زندگی مدرن، فراتر از توانایی ایشان برای شناسایی و غلبه بر آن است. از آنجا که مشارکت در حوزه شهرسازی و طراحی شهری، فرآیندی است که عموم مردم را در ارتباط با تغییرات شهر، دخیل می‌نماید. لذا به نظر می‌رسد استفاده از آن در تمامی جوانب زندگی شهری، یکی از کلیدهای توسعه می‌باشد و انعکاس این امر در حوزه مرمت شهری، اتکاء به همیاری مردم و استفاده از رویکرد مشارکت جویانه در ساماندهی بافت‌های فرسوده خواهد بود [6].

بسترهای قانونی و سایر الزامات تحقق پذیری مشارکت

از بدو پیدایش سکونتگاه‌های شهری- به ویژه شهری که به تعبیر دکتر پرویز پیران به عنوان شهر شهروندمدار^۸ در جوامع غربی شناخته می‌شود- ارتباطات انسانی در آن ورای روابط خونی-قومی و بر پایه قراردادهای اجتماعی مورد توافق همگان استوار است. ضرورت این قانون مداری در جوامع شهری امروزی با مناسبات اجتماعی پیچیده تر بیشتر مطرح بوده و به روابط میان شهروندان و مدیریت شهری -به عنوان نهاد اداره کننده شهر- نیز تعمیم می‌یابد. به عبارتی مشارکت شهروندان با مدیریت

^۷ participation

^۸ پیران، پرویز؛ شهر شهروندمدار؛ ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی؛ شماره ۱۲۰-۱۱۹

شهری در اداره و اصلاح محیط زندگی باید بر پایه قانونمندی شکل گیرد. همانگونه که فوراگر و لاندمن (۱۹۹۷) میان «شهروندی-در-اصل» (حقوقی-قانونی) و «شهروندی-در-عمل» (عملی-عینی) تمایز قایل می شوند،^۹ برای مشارکت به عنوان یکی از شاخص های تحقق شهروندی نیز می توان دوسطح-یعنی مشارکت در عرصه نظری و مشارکت در عرصه عملی-پیش بینی نمود. بدیهی است که عینی شدن مشارکت و تحقق پذیری آن مستلزم فراهم کردن زیر ساخت های مناسب از جمله نهادها و قوانین لازم است؛ به نحوی که نقش مردم و نهادهای مدنی در فرایند تهیه و تصویب برنامه ها اندیشیده شود. علیرضا علوی تبار عوامل موثر بر مشارکت را در قالب چهار دسته کلی تعریف می کند [7]:

گرایش فرد به مشارکت

هنجارهای اجتماعی

ویژگی های فردی

امکان مشارکت

سه عامل اول که خود توسط معیارهایی چون آگاهی فرد از مشارکت، تصور و ارزیابی او از پیامدهایی آن، تصور فرد از قضاوت دیگران راجع به این کنش اجتماعی و انگیزه او برای بر آوردن توقعات آنها، سوابق فرد و سنجیده می شود، همگی قصد و نیت مشارکت را در فرد بوجود می آورند؛ اما تنها وجود چنین تصویری کافی نیست، بلکه امکان مشارکت برای عملی شدن آن شرط کافی این فرایند محسوب شده و دو جنبه متفاوت را در بر می گیرد. یکی از جوانب این شرایط نظام نهادی و قانونی جامعه است. «قوانین جامعه از یک سو چهارچوبهای قابل قبول و رسمیت یافته کنشهای اجتماعی را مشخص می سازند و از سوی دیگر حقوق متقابل افراد و وظایف مرتبط با این حقوق را تعیین می نمایند» جنبه دوم نیز به وجود دانش و آگاهی در فرد، اعتماد به نفس، اعتماد به نهادها و روندهای جاری در جامعه و نیز امکانات مالی و اشاره دارد. چنانکه کائوتری باور دارد اگر مردم به امکانات مادی و اختیارات لازم برای اجرای طرح های مورد علاقه خود دسترسی نداشته باشند، مشارکت به سرعت جای خود را به بی علاقهگی خواهد داد [8].

مشارکت در برنامه ریزی شهری

ریشه های مفهوم شهروندی (Citizenship) و به تبع آن مشارکت، به شهر آتنی-رومی قابل باز می گردد. در دوران معاصر نیز مشارکت ابتدا در حوزه های سیاست و اجتماع مطرح گردید. اما ورود مفهوم مشارکت به عرصه برنامه ریزی شهری را می توان حاصل شکست تجربه برنامه ریزی شهری متمرکز و اقتدارگرا دانست. شکستی که لزوم توجه به خواست و نیاز مردم و درگیر کردن آن ها در فرایند توسعه را به اثبات رسانید. نخستین اقدامات برای حرکت از ماهیت اقتدار گرایانه برنامه ریزی شهری به سوی ماهیت مردم سالارانه آن را می توان در تجارب ایالات متحده امریکا و سپس انگلستان جستجو کرد. تعریف مشارکت در برنامه ریزی شهری، مقتدر سازی شهروندان در تاثیر گذاری بر تصمیم گیری های شهرسازانه و درگیر نمودن آن ها در اصلاح و اداره محله خود است [9]. مشارکت در برنامه ریزی بر حسب نوع آن به سه قسم است: ۱- مشارکت در مدیریت و تصمیم گیری ۲- مشارکت در تامین مالی هزینه انجام طرح ها و ۳- مشارکت در تامین نیروی انسانی. ۱۰ مشارکت در مدیریت و تصمیم گیری ترسیم اهداف، گرفتن تصمیم ها، گشودن دشواری ها و ایجاد دگرگونی ها- با به بیان دیگر فعالیت برنامه ریزی- را در بر دارد. مشارکت در تامین مالی و نیروی انسانی در مرحله اجرای طرح مطرح می شود که خود به عواملی چون میزان مطلوبیت طرح برای افراد، توانایی مالی و مهارت های آن ها بستگی دارد. در این راستا کمیسیون اسکفینگتون با تاکید گزاردن بر نوع اول مشارکت، مشارکت کامل را تنها زمانی می داند که مردم بتوانند نقشی فعال در فرایند تهیه طرح ها بر عهده گیرند. این کمیسیون این گونه بیان می دارد که: «مشارکت شهروندی سهیم شدن مردم در تدوین سیاست ها و پیشنهادات است». به عبارتی می توان

^۹ نجاتی حسینی، سید محمود؛ جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، فصلنامه مدیریت شهری؛ شماره ۵، بهار ۱۳۸۰

به نظر این دو، میان «شهروندی-در-اصل» (حقوقی-قانونی) و «شهروندی-در-عمل» (عملی-عینی) تفاوت وجود دارد. اولی اشاره به شهروندی دارد که باید از طریق رویه های نهادی حقوقی قانونی در جامعه مدنی به رسمیت شناخته شود، ولی دومی به مفهوم عینیت و تحقق عملی شهروندی در جامعه است.

^{۱۰} علوی تبار، علیرضا، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، انتشارات شهرداری و دهیاری های کشور، ۱۳۷۹، صص ۲۶-۲۷

گفت که مشارکت چیزی است فراتر از تایید مقاصد برنامه ریزان و طراحان. در طرح توسعه عمران لندن بزرگ (۱۹۸۴) نیز در مورد نقش مشارکت شهروندان در تهیه و اجرای طرح بیان شده که: «اگر قرار است طرح به گونه ای دموکراتیک به نیازها و مسایل لندن پاسخ دهد مردم نه تنها در مرحله تهیه طرح، بلکه به هنگام اجرای آن نیز، باید مشارکت داشته باشند... گروه های محلی و سازمان های داوطلب، در اغلب موارد تشکیلات مطلوبی برای اجرای بخش هایی از طرح دارند، زیرا آن ها از دانش محلی و توانایی ارائه اندیشه های نو برخوردارند» [10].

جدول شماره (۱): انواع مشارکت و معیارهای آن.

نوع مشارکت معیار ارزیابی	مشارکت شعاری	مشارکت محدود	مشارکت واقعی
نیت اصلی برنامه ریزان	تامین منافع مراجع برنامه ریزی و دولت	تامین منافع شهروندان تا جایی که، منافع مراجع برنامه ریزی و دولت تهدید نگردد	تامین شهروندان و پرداخت هزینه های آن
دامنه مشارکت	تامین اعتبار مالی طرح و سهم شدن در سود آن (در بهترین حالت)	مشارکت در اجرا و تامین مالی + مشارکت محدود در برنامه ریزی	مشارکت در اجرا + مشارکت در برنامه ریزی + مشارکت در تصمیم گیری و هدفگذاری
نگاه به مشارکت	ابزاری جهت مشروعیت بخشی به طرح و کاهش مقاومت ها در برابر اجرای آن	ابزاری برای ارتقای کیفیت طرح ها	خود مشارکت، هدف است؛ زیرا که فرایند مشارکت، فی نفسه موجب رشد فکری، روانی، اجتماعی و مدنی شهروندان می گردد
نظرخواهی از شهروندان	صورت نمی گیرد.	صورت می گیرد.	صورت می گیرد.
حق اعتراض به طرح	وجود ندارد.	وجود دارد.	وجود دارد.
نظارت شهروندان	وجود ندارد.	وجود ندارد.	وجود دارد.
جریان اطلاعات	یک سویه (از پایین به بالا) و بسیار محدود، به ندرت از بالا به پایین	عمدتا یک سویه (از پایین به بالا) و نسبتا قوی، گاهی از بالا به پایین	دوسویه و بسیار فعال
پشتوانه فکری	دیدگاه مطلق گرایانه (مردم صاحب حق شمردن نمی شوند).	دیدگاه کارکردگرایانه و فن سالارانه (مردم حق اظهار نظر دارند، اما تصمیم گیری نهایی با برنامه ریزان است).	دیدگاه مردم سالارانه و مشارکت مستقیم (نظرات، علاق و منافع تمامی شهروندان محور امور است و باید به هر قیمتی منافع و نظرات آن ها تامین شود).

تاریخچه مشارکت درنوسازی و بهسازی بافت های فرسوده شهری

بحث مشارکت عمومی در نوسازی و بهسازی شهری برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم توسط پاتریک گدس در انگلستان مطرح گردید. اما به دلیل خشکی نظام برنامه ریزی آن زمان، چندان موردتوجه قرار نگرفت. در سال ۱۹۶۹، شری ارنشتاین، دسته بندی خود را که سطوح مشارکت را معرفی می کرد، ارائه نمود. همزمان، آرتور اسکفینگتون گزارشی تحت عنوان «مردم و

برنامه‌ریزی» را برای دولت انگلستان تهیه نمود که طبق این گزارش، عنوان گردید برنامه‌ریزی باید منعکس کننده خواست مردم باشد و این امر تنها در صورت مشارکت آنان امکان پذیر است. این گزارش، مشارکت را به عنوان «عمل به اشتراک گذاشتن، تدوین سیاست‌ها و پیشنهادات مردم» مطرح نمود [10]. در این زمان، با وجود مخالفت برخی از برنامه‌ریزان که این گزارش را تهدیدی برای حرفه خود قلمداد می‌نمودند، این گزارش توانست خط‌مشی نوینی را برای کسانی که خواهان نشان دادن برنامه‌ریزی به عنوان یک فرایند عام بودند، رقم زند و برنامه‌ریزان دنباله‌رو اسکفینگتون صادقانه عموم مردم را در طرح‌ها و پیشنهادات توسعه دخالت دادند در دهه ۱۹۷۰، مشخص شد آنچه که اسکفینگتون مطرح می‌کرد مکانیزمی لازم برای سیستم برنامه‌ریزی انگلستان و سایر کشورها است تا مشارکت عموم بتواند به طور موثر و وسیع اجرا گردد. در نتیجه سیستم‌های برنامه‌ریزی براساس نظریات اسکفینگتون تغییر یافت و سیستم‌های آموزشی برای مشارکت مردم در برنامه‌ریزی استفاده گردید با رشد و گسترش روز افزون این مفهوم، به کارگیری مشارکت مردمی در نوسازی و بهسازی به شیوه‌های امروزی، در دهه ۱۹۹۰ اوج گرفت و در این راستا از تسهیگران و سایر حرفه‌مندان استفاده گردید [11].

بعد اجتماعی مشارکت در نوسازی بافت های فرسوده

وجه اجتماعی مشارکت ناظر بر دیدگاهی است که مشارکت را به عنوان هدف و عرصه ای برای ایجاد احساس قدرتمندی در شهروندان می پندارد. در ادامه به معیارهایی که چنین مشارکتی را در عرصه نوسازی بافت های فرسوده تحقق می بخشد اشاره می شود: تشکل های مردم نهاد: چنین نهادهایی یکی از عناصر وابسته به جامعه مدنی است و تحقق مشارکت به صورت سازمان یافته و مدون، که در آن کنش میان افراد و وظایف آن ها تعریف شده باشد، در قالب ایجاد آن ها میسر است. پرویز پیران در مقاله خود تحت عنوان «شهر شهروندمدار-۳» در پاسخ به شبهه ای که درباره مشارکت گریز بودن ایرانیان مطرح است، بیان می کند که: ایرانیان از دیرباز در زمینه مشارکت با تناقضی عمده روبرو بوده‌اند. آنان در گستره تاریخ خود به علت حاکمیت زورمداری و محرومیت از حقوق اولیه و شناخته نشدن به عنوان شهروندان صاحب حقوق، از عرصه‌های رسمی چشم پوشیده‌اند، آنها را متعلق به حکومت خودکام شاهنشاهی دانسته‌اند... برعکس، در حیطه‌های غیررسمی، یعنی حیطه‌های خانوادگی، محله‌ای و مذهبی و در قالب صدها نهاد و سازمان غیررسمی، مشارکت ایرانیان فوق‌العاده بوده است... از این رو حیطه‌های مشارکت مردم کمتر مدون شده و لذا به هنگام مطالعه مشارکت اجتماعی در ایران، ماهیت متناقض مشارکت‌های جمعی و نمودهای متعدد آن باید به دقت مورد توجه قرار گیرد؛ امری که توسط محققان خارجی و وقایع نگاران درباری نادیده گرفته شده و به تدریج این باور را عمومیت بخشیده است که ایرانیان مشارکت‌جو نیستند و هر کس تنها به فکر منافع آنی خویش است. وی در جای دیگری در همین مقاله اشاره می کند که: «مشارکت صرفا با حرف و اندرز و دعوت مداوم تحقق نمی یابد. مشارکت اجتماعی نیازمند بستری مناسب است و بدون آن جریان پیدا نمی کند. بستر مناسب برای مشارکت فعال همه مردم تقویت جامعه مدنی و نهادها و اجزاء و فرایندها وابسته به آن است». در این راستا به نظر می رسد در فعالیتی اجتماعی مانند نوسازی و بهسازی سکونتگاه ها، پیش بینی ایجاد چنین نهادهایی در سطح محلات و بر پایه حضور داوطلبانه مردم باید مدنظر قرار گیرد [12].

دامنه مشارکت: اگر روند نوسازی بافت های فرسوده را شامل سه مرحله هدفگذاری و تصمیم گیری، اجرا و نظارت بدانیم باید اذعان داشت که تحقق مشارکت واقعی زمانی صورت پیدا می کند که مشارکت کنندگان در هر سه مرحله حضور فعال و متمر ثمر داشته باشند.

- هدفگذاری و تصمیم گیری: این مرحله نباید تنها به نظرخواهی صوری از ساکنان، سنجش نظر آن ها پس از اتمام تصمیم سازی توسط برنامه ریزان و قبولاندن این تصمیم ها به مردم خلاصه شود. بلکه باید نظرات و خواست مردم به نحو حداکثری اعمال شود.

- اجرا: به منظور تقویت حس تعلق به طرح و ارتقای مسئولیت پذیری، ساکنان باید بتوانند در اجرا و تامین گروه های کاری داوطلبانه مشارکت داشته باشند [13].

- نظارت: حق نظارت بر حسن اجرای طرح برای ساکنان باید به رسمیت شناخته شود.

اعتراض به طرح: در روند مشارکت در طرح های نوسازی باید حق اعتراض برای ساکنان وجود داشته باشد. چنین حقی باید در مواد قانونی پیش بینی شده و سازوکارهای لازم برای آن از جمله نحوه اعتراض قانونی و پیگیری آن و نهاد و مرجع مورد نظر مشخص شده باشد. آموزش و آگاهی رسانی، همانگونه که پیش تر بیان شد از شرایط تحقق پذیری مشارکت، آگاهی شهروندان و نیز ایجاد شفافیت و حس اعتماد به روندهای جاری است. بدون وجود آگاهی و اعتماد انتظار مشارکت و پیشبرد برنامه ها آب در هاون کوبیدن است. از ابتدای روند نوسازی باید اطلاعات مرتبط با برنامه در اختیار ساکنان قرار گیرد و جزییات پیشرفت طرح در مراحل مختلف به اطلاع آن ها برسد. همچنین درباره حقوق و وظایف شهروندان و مسئولین در فرایند نوسازی باید آموزش های لازم صورت بپذیرد. این آموزش می تواند با استفاده تشکیل نهادهای مردمی و برگزاری کلاس های آموزشی، برقراری رابطه با نمایندگان منتخب مردم و استفاده از ابزارهای رسانه ای صورت بپذیرد [14]. عدالت، سازمان ملل متحد در کتابی تحت عنوان «عدالت اجتماعی در یک جهان باز، نقش سازمان ملل متحد» در سال ۲۰۰۶ شش زمینه برای بی عدالتی معرفی می نماید. نابرابری در توزیع در آمد، نابرابری در توزیع سرمایه، نابرابری در توزیع فرصت های شغلی، نابرابری در دستیابی به دانش، نابرابری در توزیع خدمات بهداشتی، امنیت اجتماعی و محیط زیست امن و بالاخره نابرابری در دستیابی به فرصت های مشارکت مدنی و سیاسی. ایجاد فرصت برابر برای همه شهروندان جهت مشارکت جویی در فرایند توسعه از راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی است. بنابراین اصل برنامه های نوسازی سکونتگاه ها نیز با به رسمیت شناختن حقوق شهروندان باید رویکردی فراگیر داشته، امکان مشارکت حداکثری را فراهم کرده و به حذف هیچ یک از بخش های جمعیتی نیانجامد [15].

بعد اقتصادی مشارکت در نوسازی بافت های فرسوده

وجه اقتصادی مشارکت ناظر بر تامین مالی طرح و تسهیل بخشی به فرایند اجرای آن است. اصل اساسی در مشارکت اقتصادی توجه به توان مالی ساکنان و نیز تامین منافع آن هاست. تسهیل در فرایند نوسازی بخشی از ساکنان توانایی مالی حداقلی برای نوسازی ملک خود را دارند. فرایند مشارکت اقتصادی در نسبت با این ساکنان باید رویکرد سهولت بخشی را در دستور کار قرار دهد. خدمات تسهیلی باید تامین بخشی از هزینه های این ساکنان و اعطای تسهیلات مالی را شامل شود. توانمند سازی ساکنانی که از توانایی مالی برخوردار نیستند و یا در زمره مستاجران بی بضاعت در بافت قرار می گیرند، بدون در نظر گرفتن تسهیلاتی ویژه، عملاً از چرخه نوسازی و مشارکت حذف خواهند شد. در این راستا باید تهمیدات لازم جهت توانمند سازی، تامین مسکن و ... برای آن ها مد نظر قرار گیرد [16].

مبانی فکری مدیریت مشارکتی

مشارکت اجتماعی، پدیده های چندبعدی است که تحقق آن نیازمند شرایط و الزامات خاص است و هریک از دیدگاه ها و نظریه ها به بخشی از آن اشاره کرده اند. رفتار مشارکتی، متأثر از زمینه های ذهنی و عینی است که قسمتی از آن شامل ویژگی های درونی و بخشی بیرونی می شود. این عناصر، در ارتباط متقابل میان اعضای جامعه در کنش های اجتماعی شکل می گیرند و به وسیله ساختار جامعه مشروط می شوند. به همین دلیل است که انسان باید در موقعیت واقعی تصمیم بگیرد که چه کاری انجام دهد و چگونه رفتار کند. در مجموع، سه عنصر مهم و اصلی دولت، شهرداری ها و مردم، در بازسازی بافت های فرسوده شهری دخیل اند که باز یگران عرصه نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده به شمار می روند. عمل مشارکت، با مفاهیم همبستگی، همکاری، همیاری، اتحاد، انجمن و نظایر آن همراه است [17].

نظریه های شهرسازی مشارکتی و دسته بندی آن

ادبیات تحقیق نشان می دهد مشارکت مردمی در طراحی، در موفقیت معاصر سازی بافت های فرسوده مؤثر است. در زمینه برنامه ریزی و شهرسازی مشارکتی که طرح های ساخت و ساز در بافت های فرسوده درون شهری نیز جزو آن است نظریه های متعددی از نیمه دوم دهه ۶۰ میلادی مطرح شده است. در راستای این پژوهش به چند نمونه از این نظریه ها پرداخته می شود که همگی بر نقش مؤثر مشارکت مردمی در طراحی اذعان دارند [18].

نظریه شری ارنشتاین (Shery Ernstein, 1996)

نظریه میجلی (James Midgley, 1986)
نظریه اسکات دیویدسون (Scott Davidson, 1998)
دیوید دریسکل (David Driskell, 2002)

نظریه های فوق از مهمترین نظریه های موجود در حوزه ادبیات نظری شهرسازی مشارکتی است که با توجه به شرایط کشورهای پیشرو در مقوله مشارکت مطرح شده است. به جهت تحلیل نظریه ها با شرایط ایران انگارهای حاصل از تلفیق نظریه های شهرسازی مشارکتی و شرایط ایران، ارایه می شود. برای رسیدن به انگاره مذکور معیارهایی مشخص شد که بر اساس آن می توان انواع مشارکت را از هم متمایز کرد. این معیارها به گونه ای انتخاب شده که تمامی وجوه شهرسازی مشارکتی را در برگیرند؛ وجه فکری و فلسفی، وجه برنامه ریزی و وجه مدیریتی. معیارهای مورد نظر بر اساس سه وجه یاد شده به شرح زیر است [19].
۱. نیت اصلی و واقعی برنامه ریزان ۲. دامنه مشارکت ۳. نگاه به مشارکت ۴. نظرخواهی از شهروندان ۵. حق اعتراض مردم به طرح

۶. نظارت شهروندان ۷. جریان اطلاعات (که باید دوسویه باشد) ۸. پشتوانه فکری و فلسفی
معیارهای نیت اصلی برنامه ریزان، نگاه به مشارکت و پشتوانه فکری و فلسفی، وجه فکری- فلسفی مفهوم مشارکت را پوشش می دهند. معیارهای دامنه مشارکت، نظرخواهی از شهروندان و جریان اطلاعات، وجه برنامه ریزی مفهوم مشارکت را در نظر دارند و معیارهای نظارت شهروندان و حق اعتراض مردم به طرح، ناظر بر وجه مدیریتی مشارکت است [19]

مزایای بهسازی بافت های فرسوده شهری بر پایه مشارکت مردم

تجربه ثابت کرده است زمانی که اجتماعات درگیر پروژه ها می شوند، طرح ها و پروژه ها شانس بیشتری برای بقا دارند. کوین لینچ و جین جکوبز از جمله اندیشمندان و نظریه پردازان قرن بیستم هستند که در زمینه بهسازی شهری براساس شهرسازی انسان گرا اظهار نظر کرده اند. به اعتقاد لینچ جریان بهسازی شهری با مشارکت مردم و مشاوره با متخصصان و هماهنگی با مردم شهر صورت گیرد. به طور کلی مزایای استفاده از مشارکت مردم در بهسازی بافت های فرسوده شهری را می توان در موارد زیر بر شمرد: ۱: به وجود آمدن روند مدیریتی و برنامه ریزی در برنامه ریزی بافت های فرسوده که به صورت موثر، کارآمد و منصفانه است. ۲: افزایش ارتباط ساکنان بافت های فرسوده و سازمان های متولی و در نتیجه آن پاسخگو بودن بیش از پیش روند برنامه ریزی، ۳: افزایش پیوستگی و نزدیکی اقشار اجتماعی و حس جمعی، ۴: صرفه جویی در هزینه های بهسازی و به وجود آمدن مالکیت شهروندی، و تعهد و مسئولیت در قبال پروژه ها و طرح ها.

- یک فرایند مشارکت مردمی می تواند کمک مؤثری برای رفع موانع سیاست گذاری و اجرای طرح ها باشد شهروندان مطلع و درگیر درامورات محله شان، شهروندان متخصصی می شوند که از نظر فنی، وضعیت های بحرانی و مساله ساز را درک کرده و به دنبال راه حل های کل نگر و فراگیر می باشند در این صورت در اجرای برنامه ها نه تنها ممانعتی به عمل نمی آورند بلکه همکاری های موثر نیز می نمایند. صاحب نظران متعددی مزایای آموزشی مشارکت شهروندی را مورد تأکید قرار می دهند همچنین به مسئولین و تصمیم گیران این امکان را می دهد تا قادر به توضیح و تشریح سیاست هایی شوند که در ابتدا با عدم رضایت مردم روبرو می شود در نتیجه روشی مؤثر برای انتقال نظرات مسئولین به مردم است [17].

- از طرف دیگر فعالین اجتماعات محلی می توانند تماس مستمری با تصمیم گیران و برنامه ریزان شهری داشته و نظراتشان را در جوی آرام و بدون جنجال به آنها منتقل کنند و در جریان امور نیز قرارگیرند. در واقع مشارکت روشی است که از حقوق تمامی آحاد جامعه در طرح ها و برنامه ها حمایت کرده و آنها را نیز در امور خودشان دخیل می کند.

- مشارکت مردمی راهی ارزشمند و مؤثر برای کاهش اختلافات و نارضایتی هاست و احتمال بروز دعاوی حقوقی بسیار کاهش می یابد.

- ساختارهای مشارکتی همانند برای بهبود گردش پیرامون سیاست های محیطی پیشنهاد شده و مورد پذیرش قرارگرفت. مشارکت شهروندی در شکل گیری سیاست گذاری محیطی، برای اطلاع برنامه ریزان از اینکه کجا عکس العمل عمومی در مورد

طرحی منفی است، مفید بوده و همین طور برای موفقیت در ایجاد همفکری در میان شهروندان متنفذ در مکان هایی که مقررات زیست محیطی، با مخالفت شدیدی مواجه است، اثر بخش است [18].

عوامل زمینه ساز مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده

- یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت مردم، اطلاعات آنها در مورد مشارکت است. فرد باید علاوه بر درک معنی مشارکت به عنوان انواع کنش های فردی و گروهی که به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری درباره امور عمومی صورت می گیرد، لازم است نسبت به انواع ممکن آن نیز شناخت اجمالی حاصل کند. بنابراین اولین شرط گرایش به مشارکت، اطلاع فرد از این واقعیت است که مشارکت چیست؟ و در چه زمینه های می تواند صورت گیرد؟

- دومین عامل در مشارکت، تصور فرد از پیامد های آن است. افرادی که آشنایی مختصری با مشارکت پیدا می کنند، بایستی در این زمینه نیز بدانند که در اثر اقدام به مشارکت چه چیزی حاصل می گردد؟ گاهی پیامد اصلی مشارکت را می توان امکان دفاع از منافع فردی و خانوادگی در فرایند تصمیم گیری های عمومی دانست و در واقع به آن به عنوان ابزاری مناسب برای دفاع از خویش نگریست. در مواردی، مشارکت تنها وسیله تأمین منافع مادی و دفاع از حقوق فردی نیست، بلکه محملی است که از طریق آن می توان استعداد های بالقوه خویش را به فعالیت درآورد، محقق ساخت. در واقع از این دید، مشارکت نه ابزار بلکه هدف است [18].

- سومین عامل مؤثر در شکل گیری انگیزه های درونی در زمینه مشارکت، ارزش داوری در زمینه پیامد های متصور بر مشارکت است. به طور مثال اگر کسی پیامد مشارکت را افزایش حضور اجتماعی بداند، اما در داوری های خود برای حضور بیشتر اجتماعی ارزشی قائل نباشد، ارزیابی مثبت و برانگیزاننده ای در مورد مشارکت نخواهد داشت [19].

- عامل مؤثر دیگری که می تواند نقش تسهیل کننده و یا مانع را در ایجاد انگیزه برای مشارکت بازی نماید، سوابق فرد در زمینه مشارکت است. مشاهدات تأیید می کنند که افراد دارای سابقه درکی اقدام خاص معمولاً برای تکرار آن اقدام از وضعیت مساعد تری برخوردار می باشند. البته نباید فراموش کرد که اگر مشارکت افراد با پاداش اجتماعی مورد استقبال قرار گرفته و یا حتی با تنبیه مواجه گشته باشد، همین زمینه مساعد می تواند به ضد خویش تبدیل گردد.

- ویژگی های فردی را نیز می بایستی مد نظر قرارداد. از نظر زمان لازم برای مشارکت شور مشارکت در فعالیت های دسته جمعی و از نظر نگرش های مساعد اجتماعی برای مشارکت فرد، سن و جنس می توانند مهم باشند. در صورت مساعد بودن همه عوامل فوق، قصد مشارکت در فرد پدید می آید، اما تنها قصد مشارکت برای اقدام به مشارکت کافی نیست. وجود امکان لازم نیز شرط است. امکان مشارکت دو جنبه متفاوت را در بر می گیرد. از یک سو امکان مشارکت به نظام قانونی و نهادی جامعه باز می گردد و از سوی دیگر حقوق متقابل افراد و وظایف مرتبط با این حقوق را تعیین می کنند. وجود نهاد های مشارکت مدنی رسمی و غیررسمی، نشان دهنده این هستند که جامعه، این امر را به عنوان ضرورت و نیاز زندگی جمعی به رسمیت شناخته است. علاوه بر وضعیت قانونی و نهادی، امکانات دیگری نیز برای مشارکت ضروری است. به عنوان مثال برای مشارکت در تصمیم گیری لازم است فرد از حداقل دانش، اعتماد به نفس و اعتماد به نهاد ها و فرایندهای جاری در جامعه برخوردار باشد [18].

نکات مهم در مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده

نکاتی که باید در مشارکت مردم در امر بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری به آنها توجه نمود عبارتند از؛

الف: مشارکت مردم باید بر سه محور عمده استوار گردد: (۱) اعتماد سازی، (۲) نهادینه سازی (۳) ظرفیت سازی.

اگر چنین اهدافی تحقق یابد ما به توانمند سازی اجتماعات محلی نایل خواهیم آمد و این کار مستلزم کار صمیمانه در بطن مردم است. لذا حضور در محل اجرای پروژه و به خدمت گرفتن کارشناسان توانا در زمینه ارتباط مردمی تا تحقق برنامه ها اجتناب ناپذیر است. در این فرایند برنامه ریزی برای مردم باید به برنامه ریزی با مردم تبدیل شود و شرکت های مجری نقش میانجی و تسهیل کننده را ایفا نمایند.

ب: در طرح بازسازی بافت های فرسوده به دلیل تعلق مکانی مردم به محل زندگی که اکثر افراد سابقه بیش از ۲۰ سال سکونت در این منطق را دارند جابه جایی فیزیکی آنها از محل نه به عنوان قاعده بلکه به عنوان یک استثنا باید مورد نظر قرار گیرد و در صورت ضرورت این جابه جایی با موفقیت کامل مالکین به انجام برسد.

ج: با توجه به اینکه مردم این مناطق از لحاظ مالی ضعیف می باشند برنامه بازسازی بافت های فرسوده در مراحل اولیه باید بتواند به گونه ای قابلیت اجرایی یابد که اثر بخشی آن در بهبود شرایط ساکنین و به عبارتی تهی دستان شهری کاملاً مشهود باشد. برای تسریع در فرایند مشارکت مردمی در پروژه ها لازم است ابتدا نیاز سنجی و شناخت ظرفیت ها و اولویت های محلی ملاک قرار گیرد لذا از طریق تشکیل جلسات گروهی با مردم نظر سنجی علمی و مستند سازی نظرات آن ها، گروه های ذینفع ممکن شناسایی شده، نیازها و اولویت ها مشخص گردید و تمایل مردم در فرایند بازسازی معین گردد [19].

موانع مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده

به نظر می رسد در حال حاضر موانع عمده ای که باعث عدم مشارکت مردم می شود به طور خلاصه به شرح زیر است:
الف: موانع ساختاری: شامل فقدان مدیریت شهری یکپارچه، برنامه ریزی بسیار متمرکز، فقدان ساختارهای محلی یا نبود سازماندهی؛

ب: موانع فرهنگی- اجتماعی: شامل عدم اعتماد مردم به مسئولین، فقدان انگیزش برای کارگروهی، احساس بیم و خطر از مشارکت مردم از سوی مدیران شهری، عدم وجود بسترهای فرهنگی مناسب برای مشارکت، کمبود آموزش های لازم و....
ج: عدم مداخله واقعی مردم: چنانچه مشارکت مردم جنبه تحمیلی داشته و در تصمیم گیری نقشی نداشته باشند و صرفاً انجام دهنده کار باشند، هیچ گاه مشارکت فعالی نخواهند داشت. د: عدم اطلاع مردم از برنامه ها: محرمانه بودن برخی از برنامه ها موجب می شود که مردم به اطلاعات دسترسی نداشته و در نتیجه از آن بی بهره بمانند و از سوی دیگر، بی اطلاعی از برنامه ها موجب عدم مشارکت آنها خواهد شد. و: محدودیت های قانونی: نبود قوانین و مقررات ویژه در خصوص مشارکت مردمی. ز: احساس عدم تعلق به محله: اغلب به دلیل شرایط نامناسب محلات با بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری، مردم محله از زندگی در آنجا احساس رضایتی نداشته و تعلق خاطری نسبت به محیط خود حس نمی کنند و حتی گاهی در محافل عمومی از بیان اینکه ساکن چنین محلاتی هستند اجتناب می کنند. این شیوه تفکر بدیهی است که به کاهش مشارکت مردمی می انجامد. ح: عدم شناخت جایگاه سازمان های غیردولتی: مردم اطلاع چندانی از نقش و جایگاه نهاد های غیر دولتی در احیای بافت ها ندارند و این باعث عدم همکاری آنها با چنین نهاد هایی می گردد. ط: محدودیت های اقتصادی: اغلب ساکنین چنین بافت هایی به لحاظ سطح اقتصادی از وضعیت خوبی برخوردار نیستند بنابراین، تلاش آنها برای تأمین معیشت، فرصت مشارکت از آن ها را می گیرد. آن ها مجبورند اکثر انرژی، فرصت و توان خود را برای بقا و معاش خود به کارگیرند و علی رغم این تلاش از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. این شرایط با توسعه مشارکت مغایرت دارد و مشارکت در این راستا، احتمالاً مختص گروه هایی خواهد بود که از کیفیت زندگی نسبتاً بهتری برخوردارند حال آنکه در شیوه جلب مشارکت مردمی باید عامه مردم به ویژه محرومان جامعه محور قرار گیرند [20].

تجربه جهانی موفق در امر نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده شهری

بررسی الگوها و تجارب بهسازی و نوسازی شهری جهانی، به ویژه در کشورهایی که دارای پیشینه طولانی تری در زمینه مداخله در بافت های فرسوده شهری بوده اند، می تواند علاوه بر معرفی سیاست ها و راهکارهای اجرایی متنوع برای بهسازی و نوسازی شهری، نتایج و پیامدهای اجرای این راهکارها را نیز به نمایش گذارد. به این ترتیب می توان از تجربه عملی موفق تبت در زمینه بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده پند گرفت و از تکرار اشتباهات و تجارب ناموفق پیشگیری نمود.

تجربه تبت

نمونه موردی تبت یکی از نمونه های فرایند همکاری پایدار در انجام پروژه های نوسازی و بهسازی در بافت های فرسوده شهری، می باشد. شهر له مرکز ایالت لاداخ محسوب می شود. لاداخ از ایالات باستانی تبت است که دارای بافت بارزش تاریخی، بالاخص در بخش مرکزی می باشد. شهر له دارای ۲۵۰۰ نفر سکنه است، که تعداد این سکنه در فصول گردشگری نظیر تابستان

افزایش می یابد. از آنجا که گردشگری در این شهر منبع اصلی تامین معاش مردم محسوب می شود، لذا جذب گردشگران و تامین امکانات لازم برای آنها، از جمله مسائل مهمی است که مردم و مسئولین همواره با آن درگیر بودند. در این شهر فرسودگی بافت در هر سه بخش کالبدی، عملکردی و تصویر ذهنی وجود داشت و تنوع قومی در این شهر به شدت مشکل زا بود، لذا مسئولین بر آن شدند تا در طرح مرمت و بهسازی شهر از مشارکت مستقیم مردم در کلیه مراحل استفاده نمایند. بدین ترتیب طرح مرمت و بهسازی بافت در قالب فرایندی در هشت گام آغاز گردید. این فرایند که شامل هر سه مرحله اصلی فرایند مشارکتی (پیش طراحی، طراحی و اجرا) می باشد، به قرار زیر است [21].

مرحله اول- معرفی مشکلات: علاوه بر کمبود امکانات گردشگری و فرسودگی بافت، مشکلات دیگری که مردم و مسئولین با آن درگیر بودند، عبارتند از: کیفیت پایین زندگی، عدم فعالیت دولت در بخش قدیمی شهر، فقیر بودن مردمی که دارای مالکیت زمین نبودند، از دست رفتن هویت فرهنگی به دلیل مهاجرت و تغییرات سریع اقتصادی، از دست رفتن مهارت های سنتی که به دلیل اقتصاد مدرن مورد استفاده قرار نگرفتند.

مرحله دوم- تجزیه و تحلیل مشکلات: در این مرحله مشکلات شناسایی شده مورد بررسی دقیق کارشناسان قرار گرفت و از مردم برای ارائه راه حل های لازم نظرسنجی به عمل آمد. بر این اساس همچنین موقعیت شهر به لحاظ مشکلات مختلف مورد سنجش قرار گرفت.

مرحله سوم- بررسی مناعشات میان سازمان ها و گروه های مختلف: در این مرحله گروه های مختلف (قومی، اقلیتی و...) شناسایی شده و از کلیه آنها دعوت به همکاری صورت گرفت [21].

مرحله چهارم- مشخص نمودن استراتژی کار: پس از بررسی و تجزیه تحلیل مشکلات استراتژی های زیر در دستور کار قرار گرفتند. انجام هماهنگی های لازم با بدنه های مختلف دولتی به منظور ایجاد زیرساخت های لازم، طراحی مدلی که حداقل ۵۰ درصد نیازمندی های ساکنان را بر طرف سازد، شروع یک برنامه آموزشی، انتخاب مدل بازسازی شهر، ایجاد یک مرکز محلی برای تجمع مردم.

مرحله پنجم- تنظیم هسته گروه متشکل از افراد دارای مهارت های لازم: از آنجا که بخش وسیعی از جمعیت این شهر را گروه های کارگر دارای مهارت های لازم تشکیل می دادند، در تحقق طرح سعی بر آن شد که از این مهارت های محلی به ویژه مهارت های زنان استفاده گردد. اما به دلیل اینکه بسیاری از فعالیت ها نظیر احداث زیرساخت ها نیازمند گروه های تخصصی ویژه بود، از مهندسان و متخصصان نیز در عملیات اجرایی و طراحی نیز استفاده گردید. در ادامه آموزش های لازم نیز از طریق تشکیل کارگاه های آموزشی برای آموزش مردم راه اندازی شد.

مرحله ششم- طراحی و تهیه مدل بازسازی و احیا: از آنجا که مهم ترین مسئله در تامین زیرساخت های شهر، دفع آب های سطحی و زهکشی بود و شهر با کمبود تکنولوژی زهکشی و خیابان کشی روبه رو گردید، در این مرحله مهندسان مدلی را برای بازسازی و احیا پیشنهاد دادند که در دستور کار قرار گرفت [21].

مرحله هفتم- اجرای طرح: در اجرای طرح، از نیروهای محلی و به ویژه زنان استفاده گردید و طرح از طریق کارشناسان مورد نظارت و ارزیابی قرار گرفت. به منظور اجرای زیرساخت ها، که نیازمند نیروهای متخصص بود، از افراد متخصص استفاده گردید.

مرحله هشتم- بیان جزئیات فعالیت ها و نتایج: اصلاح زیرساخت ها، استفاده از تکنولوژی ساخت مناسب و پایدار، شرکت تمامی گروه های سنی در کارگاه ها و کلاس های آموزشی به منظور ارتقای مهارت ها و افزایش نقش زنان در ساخت و ساز، تقویت هویت فرهنگی، احیای مجدد مهارت های سنتی، بازسازی برخی خانه های قدیمی، ایجاد مرکز اجتماعات محلی برای ملاقات های گروهی، کارهای فرهنگی و آموزشی به منظور ادامه فعالیت ها در آینده، از بین رفتن فاصله میان اجتماعات مذهبی و قومی مختلف و ارتقای شرایط زندگی [21].

جمع بندی و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاکی از آن که، بافت های فرسوده شهری جزئی از ثروت شهرها می باشند که جهت بازگرداندن حیات دوباره نیاز به توجه بیشتری دارند. با توجه به چند بعدی بودن مسائل و مشکلات بافت های فرسوده شهری، در زمینه برنامه ریزی برای

بافت‌های فرسوده توجه به امر مشارکت ساکنین در تدوین برنامه و اجرای آن لازم و ضروری می‌باشد. از اینرو در بافت‌های فرسوده با توجه به وسعت و دامنه و شدت مسائل گریبانگیر این بافت‌ها کارآمدترین رویکردی که بتوان برای مواجهه با کاستی‌ها و نارسایی‌ها اتخاذ نمود رویکرد مشارکتی است. بررسی روش‌ها و سیاست‌های مختلف طرح‌های نوسازی بافت‌های آسیب دیده کشور نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌های انجام شده، مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا به درستی تبیین نگردیده است. در میان عوامل تاثیرگذار در موفقیت طرح‌ها آنچه که بیش از پیش مورد توجه منتقدان و صاحب‌نظران قرار گرفته است، موضوع مشارکت مردمی است. مشارکتی که ساکنان و ذی‌نفعان بافت فرسوده را به عنوان عاملی موثر در تهیه ی طرح تلقی نموده و حضور او را از ابتدای کار ضروری می‌داند. این مشارکت، در صورت رخداد، مشارکتی واقعی خواهد بود و از مشارکت‌های کاغذی و شعاری بسیار متفاوت خواهد شد. ارتقای سطوح آگاهی ساکنان و آگاه ساختن آن‌ها از اهمیت و ضرورت طرح، موجب همراهی بهتر آن‌ها در فرایند اجرای طرح خواهد شد. علاوه بر این موارد، ساکنان و مالکان بافت به عنوان افرادی که شناخت نسبتاً جامعی به محله‌ی خویش دارند، می‌توانند در امر شناخت و تحلیل و حتی اولویت‌بندی‌های تحلیل و در نهایت تصمیم‌گیری‌های طراحانه بسیار دخیل باشند. چراکه در نهایت آن‌ها هستند که استفاده‌کنندگان واقعی بافت خواهند بود. لذا بهره‌گیری از مشورت آن‌ها و مشارکت واقعی آن‌ها در تمامی پروسه‌ی برنامه‌ریزی تا اجرای طرح ضروری است. به این ترتیب راهبرد‌های زیر که بر مبنای یافته‌های پژوهش به دست آمده‌اند، تصویری کلی از اقدامات مورد نیاز برای ترغیب مشارکت مردم در زمینه بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده را به قرار زیر ارائه می‌نماییم؛

آگاه‌سازی ساکنان بافت‌های فرسوده که قانون از آن‌ها چه حمایت‌هایی می‌کند و همچنین احیای حس اعتماد بین آن‌ها نسبت به نهادهای مدیریت شهری، ایجاد ضمانت‌اجرایی و تشویق‌های مالی از طرف دولت زمینه مشارکت هرچه بیشتر ساکنان بافت‌های فرسوده در جهت بهسازی این بافت‌ها فراهم خواهد نمود.

تسهیلات نوسازی بافت‌های فرسوده، به شکلی باشد که بتواند مورد استفاده همگان بوده و از طرفی میزان خسارت‌های مالی به افراد مالک کمتر بوده تا برای آن‌ها به نوعی ایجاد رغبت لازم در مشارکت را فراهم آورد.

قراردادن واحدی با عنوان "واحد خدمات نوسازی بافت فرسوده" در شهرداری‌های شهرها جهت انجام تعاملات لازم با مردم و تنظیم شیوه مشارکت مردمی و مداخله‌های دولتی و هماهنگی با سایر دستگاه‌ها.

بررسی و رفع موانع اقتصادی، کالبدی، فرهنگی و حقوقی و اداری از طریق مسئولان ذیربط، با توجه به اینکه مطابق یافته‌های این پژوهش، شهروندان به مشارکت در ساخت و ساز در بافت‌های فرسوده تمایل دارند.

اعطای وام بدن بهره برای بازسازی و نوسازی ملک برای مالکان محدوده بافت‌های فرسوده در نظر گرفته شود.

منابع و مراجع

- [۱] زالی، ن. دارابی، عسگر میرزایی، ح. (۱۳۹۲)، بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده محله پیرسرای کلانشهر رشت با رویکرد مشارکت مردمی، مجله پژوهش های برنامه ریزی شهری، سال چهارم، شماره ۱۲.
- [۲] برزگر، م. ر. (۱۳۹۲)، رویکرد تعاون محور در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری.
- [۳] محمودی، م. م. اسلامی، ل. (۱۳۹۰)، بررسی راهکارهای بهبود و سازماندهی یکپارچه بافت فرسوده ساحلی (نمونه مردی؛ بندر عباس)، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۸.
- [4] Hall, P., 1995, Towards a General Urban Theory, New York University site, Longman Australia publishers, 31 p.
- [۵] پناهی، م. ح.، یزدان پناه، ل. (۱۳۸۳)، اثر ویژگی های فردی بر مشارکت اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۶] رزمی، ح. ر.، ابراهیمی، ر. (۱۳۹۶)، بررسی و تحلیل نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده شهری مبتنی بر رویکرد مشارکتی، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های کاربردی در علوم، تکنولوژی و دانش، هانوفر، آلمان، خرداد ۱۳۹۷.
- [۷] کلبادی، ع. ر.، پارین، ن. (۱۳۸۹)، بررسی الگوهای مشارکتی شهروندان در امور شهرها، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، جلد دوم، چاپ اول، تهران.
- [8] Abbaszadegan, Mostafa, and Maryam Roosta. (2008) "Improving The Quality of Urban Spaces in The Process of Renovation And Regeneration of Decaying Urban Areas, Case Study of SABOON-PAZ-KHANEH Neighbourhood." In The 1st Conference of Renewal and Regeneration of Decaying Urban Areas. Mashahd, IRAN. December 2008. Mashahd, IRAN.
- [۹] ضرابی، الف، طهرانی، س. (۱۳۸۸)، رویکرد مشارکت جویانه در نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده ی شهری، مجله ی آرمان شهر، شماره ی ۲.
- [۱۰] حناچی، پ. (۱۳۸۷)، مرمت شهری در بافت های تاریخی ایران، پایان نامه دکتری معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- [۱۱] حسینی، ج. (۱۳۸۷)، مشارکت مردمی در نوسازی و بازسازی بافت های فرسوده شهری، انتشارات سخن گستر، چاپ اول.
- [۱۲] هادیان، الف، دانشپور، ع. الف. (۱۳۸۷)، نوسازی بافت های فرسوده شهری و مشارکت شهروندان، مجموعه مقالات اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری، مشهد.
- [13] Amado, M.P. Santos, C. V. Moure, E.B. & Silva, V. G.(2009). "Public Participation in Sustainable Urban Planning", World Academy of Science, Engineering and Technology, no.53.
- [۱۴] عندلیب، ع. ر.، کاوه، ع. الف. (۱۳۸۷)، نوسازی بافت های فرسوده با مشارکت محله خوب بخت منطقه ۱۵ تهران، انتشارات ری.
- [۱۵] حبیبی، ک.، پوراحمد، الف، مشکینی، الف. (۱۳۸۶)، بهسازی و نوسازی بافت های کهن شهری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه کردستان، کردستان.
- [۱۶] شمعی، ع.، پوراحمد، الف. (۱۳۸۵)، بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- [۱۷] دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. (۱۳۸۵)، بافت های فرسوده شهر تهران، مصوبه ۳۰/۳۱۰/۱۵۳۰۱، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.
- [18] Gullino, S (2008), Urban Regeneration and Democratization of Information access, Journal of Environmental. Management , Vol, 90(6), pp. 2012-2019.

[۱۹] موسوی، س. الف، ۱۳۸۵، برنامه ریزی توسعه محله ای با تأکید بر سرمایه اجتماعی مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

[۲۰] اسدیان، ف، سیاحی، ز، ۱۳۹۰، نقش الگوی مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، مطالعه موردی محله عامری اهواز، فصلنامه جغرافیایی آمایش و محیط، شماره ۱۲.

[21] <http://www.pps.com>